

تطور معنایی شعارهای اعتراض‌های سه دهه اخیر در سپهر گفتمان‌های سیاسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

سعیده امینی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۲

فاطمه امیدی^۲

چکیده

کنش‌های اعتراضی به‌عنوان صورتی از جهت‌گیری‌های سیاسی-اجتماعی، دولت‌ها را خارج از انقضای دوره‌های انتخاباتی به‌چالش کشیده تا بدین طریق اشکال نوینی از مشارکت را به نمایش بگذارند. مطالبات مطرح شده در قالب شعارهای اعتراضات و نسبت آن‌ها با گفتمان‌های سیاسی دغدغه مقاله حاضر است. براین اساس، در راستای بررسی سیر تطور معنایی شعارهای اعتراض‌های سه دهه اخیر در سپهر گفتمان‌های سیاسی با اتکاء به نظریه چارچوب‌سازی (*framing*) اسنوو و بنفورد و با استفاده از روش تحلیل محتوای مضمونی به تحلیل شعارهای اعتراض‌های کوی دانشگاه در تیرماه ۷۸، اعتراض‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸، اعتراض‌های دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ در نسبت با گفتمان‌های اصلاحات، عدالت و اعتدال پرداختیم. نتایج حاصله نشان می‌دهد؛ در سال ۷۸ در مقایسه با سایر سال‌ها چارچوب تشخیصی معترضین پیرامون عدم انسجام در ساختار سیاسی، در سال ۸۸ پیرامون عدم تحقق ارزش‌های سیاسی و در سال ۹۶ و ۹۸ نیز در باب بعد ساختاری نظام سیاسی تکوین یافته است. مضامین شعارها در سال ۷۸ (آزادی خواهی، مردمسالاری) با عناصر گفتمان اصلاحات همخوانی داشت، اما بین شعارها و اختلال کارکردی دولت تناظر وجود نداشت. مضامین شعارها در سال ۸۸ (عدالت سیاسی) با عناصر گفتمان عدالت (فقرزدایی و محرومیت‌زدایی) همخوانی نداشت، اما با اختلال کارکردی دولت در ساحت سیاست هماهنگ بود. در شبهه جنبش‌های دهه ۹۰ مضامین شعارهای معترضین هم با عناصر گفتمان اعتدال و هم با اختلال کارکردی دولت همخوانی داشت.

واژگان کلیدی: اصلاحات، اعتدال، تحلیل مضمون چارچوب‌سازی، شعار، عدالت، اعتراض.

مقدمه

اعتراض‌های اجتماعی به عنوان جلوه‌ای از کنش‌های جمعی هنگامی رخ می‌دهند که گروه‌هایی از جامعه آن را به مثابه یگانه کنش در راستای افزایش پاسخگویی دولت‌ها تصور کنند. این کنش‌ها ضمن داشتن ماهیتی اجتماعی نشان از ناامیدی مردم از روندهای معمول پیگیری مطالبات دارند که تحقق آنها به شیوه قانونی ناممکن و یا با موانع عدیده‌ای روبروست. لذا این رفتارها ماهیتی سیاسی-اجتماعی داشته و غالباً خارج از گفتمان‌های سیاسی مسلط رخ می‌دهند. گاه رقابت و منازعات گفتمانی تبدیل به بستری برای تکوین اعتراضات می‌شوند. رقابت گفتمان‌ها برای هژمونیک شدن و به چالش کشیدن یکدیگر به بستر سیاسی-اجتماعی جامعه رسوخ کرده و به مثابه عاملی مهم در کنار سایر عوامل مطالبات معترضین را شکل می‌دهد. به بیان دیگر، گفتمان‌های حاشیه‌ای از طریق کمک به تشخیص و توصیف بخش‌های مغفول مانده در گفتمان هژمونیک و جنبه‌هایی از وضعیت نامطلوب کنونی و نسبت دادن این جنبه‌ها به گفتمان مسلط در شکل‌گیری مطالبات معترضین موثرند.

از آنجا که جامعه ایران در سه دهه اخیر بستر رفتارهای اعتراضی متعددی بوده و با توجه به تغییرات روی داده در کنش‌های اعتراضی طی این دوره چون کوتاه‌تر شدن چرخه تناوب اعتراض‌ها، وسعت یافتن دامنه جغرافیایی آن‌ها، تغییر شکل و محتوای شعارها، افزایش معترضین و تغییر ترکیب جمعیتی و طبقاتی آن‌ها و نظر به تبعات مختلف اینگونه کنش‌ها مقاله حاضر در تلاش است به منظور فهم کنش‌های اعتراضی، مطالبات معترضین و نقش گفتمان‌های حاکم و حاشیه‌ای در تکوین و تطور آن‌ها، به بررسی سیر تطور معنایی شعارهای مطرح شده در رفتارهای اعتراضی سه دهه اخیر بپردازد و نسبت آن را با گفتمانهای هر یک از دولت‌ها بررسی نماید.

در راستای نیل به اهداف فوق، از مجموع رفتارهای اعتراضی روی داده در فاصله زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۸، اعتراض‌هایی به‌عنوان موردهای مطالعه انتخاب شدند که علاوه بر برجستگی و دامنه تاثیر و رسانه‌ای شدن، منازعات میان گفتمانی را نیز بصورت آشکارتری نمایان ساختند. بنابراین

نظر به اینکه دولت‌ها حامل گفتمان‌ها بوده و به بهترین نحو انعکاس دهندهٔ چالش‌های گفتمانی‌اند، انتخاب حداقل یک اعتراض برجسته در هر کدام از دولت‌ها از ضروریات پژوهش بوده است. در بازه زمانی مورد مطالعه سه دولت روی کار آمده‌اند که هر کدام از آن‌ها در یک دورهٔ زمانی هشت ساله تلاش کردند تا گفتمان سیاسی خویش را بر فضای جامعه حاکم نمایند.

از آنجا که منازعات میان گفتمان‌های هژمونیک و حاشیه‌ای در زمان رویدادهای مهم سیاسی اوج می‌گیرد و نظر به اینکه از مهمترین رخدادهای سیاسی هر جامعه‌ای انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی بوده، مجموع اعتراض‌های مورد مطالعه عمدتاً در بازه زمانی نزدیک به آن‌ها روی داده‌اند. بنابراین از رفتارهای اعتراضی رخ داده در فاصلهٔ زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۸ چهار کنش اعتراضی برجسته یعنی اعتراض‌های تیرماه ۱۳۷۸ کوی دانشگاه تهران، اعتراض‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، اعتراض‌های دیماه ۱۳۹۶ و آبانماه ۱۳۹۸ انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. تا نخست سیر تحول شعارهای اعتراض‌های پس از انقلاب (دههٔ ۷۰، ۸۰ و ۹۰) مشخص گردند. دوم نقش گفتمان‌های سیاسی هژمونیک و حاشیه‌ای در تکوین و تحول شعارهای اعتراض‌های پس از انقلاب (دههٔ ۷۰، ۸۰ و ۹۰) ترسیم گردند و در نهایت نقش نزاع‌های معنایی گفتمان‌های سیاسی هژمونیک و حاشیه‌ای در تکوین و تحول شعارهای اعتراض‌های پس از انقلاب (دههٔ ۷۰، ۸۰ و ۹۰) برجسته گردد.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی در زمینه اعتراضات و شعارهای آن انجام شده است. در بین تحقیقات متعدد کتاب جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی (محمدحسین پناهی، ۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل موثر بر اثرگذاری شعارهای انتخابات ریاست جمهوری در جامعهٔ امریکا (اریک بروکس، ۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان تحلیل گفتمان انتقادی-شعارهای اعتراضات به کشته شدن جورج فلویید (چن منگ، ۲۰۲۱) و پژوهشی با عنوان شعارهایی که ویژگی‌های چینی دارند: کارکردهای سیاسی صور گفتمان (جیانلین سانگ، جیمز پاول گی، ۲۰۱۹) بدلیل موضوعیت شعارها، در چگونگی دسته‌بندی شعارها و بخش‌هایی از توصیف و تحلیل متون راهنمای مقاله حاضر بوده‌اند.

تحقیقات دیگری با عناوین ناآرامی‌های اجتماعی، عوامل و فرآیندها (آیت‌اله گودرزی، ۱۳۹۱)، اعتراض‌های دیماه ۹۶ و عوامل موثر بر آن‌ها (محمدرضا جلایی‌پور و حاجی‌زادگان، ۱۳۹۸)، تاثیر شبکه‌های اجتماعی (فیس بوک) بر مسائل سیاسی-اجتماعی کشور با تاکید بر اعتراض‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری خردادماه ۱۳۸۸ (محمود مجتهدی نجفی، ۱۳۹۴) و بررسی نقش رسانه‌ها بر اعتراض‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ در ایران (علی قربانی، ۱۳۹۷)، بدلیل تاکید بر برخی از رفتارهای اعتراضی رخ داده در سه دهه اخیر؛ به لحاظ موضوعی راهنماهای مهمی در توصیف و تفسیر رفتارهای اعتراضی بوده اند.

همچنین دو پژوهش آخر یعنی تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر مسایل سیاسی-اجتماعی کشور و بررسی نقش رسانه‌ها بر اعتراض‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ بدلیل نو بودن مسئله پژوهش و توجه به ظرفیت و پتانسل رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری رفتارهای اعتراضی بویژه در دهه اخیر از اهمیت زیادی در بررسی موضوع تحقیق حاضر برخوردار بوده‌اند. علاوه بر این سایر تحقیقات با عناوین میزان گرایش دانشجویان به اعتراض‌های سیاسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن‌ها (آمنه صدیقیان بیدگلی، ۱۳۹۰)، احساس محرومیت نسبی و پتانسیل اعتراض سیاسی (فردین علیخواه، ۱۳۸۷)، چرا در دموکراسی‌های جدید مردم اعتراض می‌کنند (یان کول‌کیم، ۲۰۰۳)، مبانی ساختاری، فرهنگی و مادی رفتارهای اعتراضی (راسل دالتون و ون سیکل، ۲۰۰۵) و چرا مردم اعتراض می‌کنند.

بدلیل تاکید بر تئوری‌های حوزه رفتارهای اعتراضی، مورد توجه پژوهش حاضر در بخش نظری می‌باشند. در مقاله حاضر تلاش شده است که جنبه‌های مغفول مانده در پژوهش‌های ذکر شده مورد توجه قرار گیرد. کلیه پژوهش‌های صورت گرفته که رفتارهای اعتراضی سه دهه اخیر را بعنوان مسئله پژوهش خود انتخاب کرده‌اند (ناآرامی‌های اجتماعی، عوامل و فرآیندها، اعتراض‌های دیماه ۹۶ و عوامل موثر بر آن‌ها، تاثیر شبکه‌های اجتماعی {فیس بوک} بر مسایل سیاسی-اجتماعی کشور با تاکید بر اعتراض‌های پس از ریاست جمهوری خردادماه ۱۳۸۸ و بررسی نقش رسانه‌ها بر اعتراض‌ها ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶، رفتارهای اعتراضی رخ داده

را بعنوان برشی از تاریخ و بصورتی مجزا و عموماً به روش کمی مورد مطالعه قرار داده و از وجوه تحلیلی-تفسیری بازمانده‌اند.

اما پژوهش حاضر در تلاش خواهد بود رفتارهای اعتراضی سه دهه اخیر را در پیوستاری تاریخی و مرتبط با بستر و زمینه‌های سیاسی این سه دهه مورد مطالعه قرار دهد تا بدین صورت تغییرات صورت گرفته و سیر تکوین و تحول شعارهای آن‌ها را به گونه‌ای دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهد.

چارچوب مفهومی

طی یک ربع قرن گذشته، توجه به برساخت تفسیری معنا در علوم اجتماعی و علوم انسانی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. تمرکز ما در این بخش بر بیان گفتمانی شفاهی معناست که اولین بار در فرایندهای چارچوب‌سازی در زمینه جنبش‌های اجتماعی ظهور یافت. البته مواردی دیگری نیز وجود دارند که به اندازه چارچوب‌ها به عنوان حامل‌های معنا در رابطه با جنبش‌های اجتماعی مهم هستند. روایت‌ها، گزارش‌های داستانی از رویدادهایی هستند که گذشته را به حال و به یک آینده پیش‌بینی شده متصل می‌کنند (پولتا و دیگران، ۲۰۱۱) با این حال، در مطالعه حاضر به دلیل محدودیت فضای متنی از روایت‌ها صرف نظر کرده و به طور متمرکز بر چارچوب‌سازی تاکید شده است.

مفهوم چارچوب‌سازی در رابطه با کنش متقابل اجتماعی و ابژه از تحلیل چارچوب اروینگ گافمن (۱۹۷۴) وام گرفته شده که بخشی از آن را مدیون کار اولیه گرگوری بتسون (۱۹۷۲) است و ریشه در اصل اساسی کنش متقابل نمادین و ساخت‌گرایی دارد. بر این اساس معناها از طریق فرایندهای تفسیری با میانجی فرهنگ، ظهور می‌یابند. از نظر بتسون، گافمن و همچنین سایر محققانی که از این مفهوم به صورت تحلیلی استفاده می‌کنند، چارچوب‌ها به چنین سئوالاتی پاسخ می‌دهند: در اینجا چه خبر است؟ چه چیزی گفته می‌شود؟ این معنایش چیست؟ و من (یا ما) چگونه باید عمل کنیم یا پاسخ دهیم؟ (به نقل از اسنو و دیگران، ۲۰۱۹).

با بهره‌گیری از این مفهوم، بنفورد و همکارانش چارچوب‌ها را تخصیص معنا به رویدادها و تفسیر آن‌ها به شیوه‌هایی تعریف کرده‌اند که از طریق آن‌ها قصد بسیج اعضای بالقوه، جلب حمایت نظاره‌گران و منفعل ساختن مخالفان را دارند. (دیتر، ۱۳۹۵: ۳۹۸) براین اساس در این نگاه، چارچوب یک ساختار

عمومی، استاندارد شده و از پیش تعریف شده است که امکان شناخت مجدد جهان را فراهم کرده، درک فرد را هدایت می‌نماید و در نهایت به فرد اجازه می‌دهد تا به واقعیت زندگی خود معنا دهد (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

بر این اساس، نظریه مذکور در عرصه کنش جمعی نیز در تلاش است تا شیوه ایجاد و استفاده از معنا بوسیله جنبش‌های اجتماعی و بازیگران آن‌ها را با نحوه چارچوب‌سازی برای رویدادها و ایده‌ها درک نماید (خاوری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۲۳۶). به عقیده اسنو و همکارانش، بازیگران اجتماعی از طریق "چارچوب‌ها" نارضایتی‌ها را تعریف می‌کنند، هویت‌های جمعی را می‌سازند و فرصت‌ها را برای ایجاد کنش‌های جمعی خلق، تفسیر و دگرگون می‌کنند (نش، ۱۳۹۶: ۱۵۴). بنابراین نارضایتی‌های تحرک‌آمیزی که عامل وقوع کنش جمعی می‌باشند، نتیجه تفسیری‌اند که چارچوب‌ها آن را امکانپذیر ساخته‌اند، چارچوب‌هایی که رهبران و شرکت‌کنندگان جنبش‌های اجتماعی در ساخت آن موثر بوده‌اند (اسنو و دیگران، ۲۰۱۹: ۳۹۳).

تحلیل چارچوب این امکان را فراهم می‌کند تا فرآیند انتساب معنا که پشت وقوع هر منازعه‌ای است را درک نماییم. به زعم اسنو و بنفورد این فرآیند در جریان کنش جمعی در سه مرحله چارچوب تشخیصی، چارچوب تجویزی و چارچوب انگیزشی صورت می‌گیرد (بنفورد و اسنو، ۲۰۰۰).

چارچوب تشخیصی: این چارچوب دو بعد دارد؛ تشخیص برخی از رویدادها یا جنبه‌های زندگی اجتماعی یا نظام دولت به عنوان یک مسئله و نیاز به اصلاح یا تغییر و انتساب تقصیر یا مسئولیت برای وضعیت مسئله‌دار امور. چارچوب تشخیصی به سئوالات «ایراد کار کجاست یا چیست؟» و «چه کسی یا چه چیزی مقصر است؟» جواب می‌دهد. بخش زیادی از تحقیقات صورت گرفته در مورد محتوای چارچوب‌های کنش جمعی بیانگر آن است که چارچوب‌سازی تشخیصی به طور معمول یک رخداد یا وضعیت را به مثابه یک نوع «بی‌عدالتی» تعریف یا بازتعریف می‌کند (همان، ۶۱۵).

چارچوب تجویزی: چارچوب‌سازی تجویزی متضمن مفصل‌بندی یک راه‌حل پیشنهادی برای مسئله، از جمله برنامه حمله و تاکتیک‌های سازگار با چارچوب برای عملی کردن آن و اغلب ابطال راه‌حل‌های فعلی یا پیشنهادی حریف است. میزان مطابقت میان چارچوب‌سازی تشخیصی و تجویزی

بسته به زمینه‌های مختلف متفاوت است، اما گاهی اوقات جریان رویدادها در جهان، شواهد تأییدی قانع‌کننده‌ای از چنین مطابقتی ارائه می‌دهد.

چارچوب انگیزشی: چارچوب‌سازی انگیزشی متضمن تهیه فراخوانی برای کنش جمعی است که از تشخیص و تجویز فراتر می‌رود. این چارچوب را می‌توان به منزله مولفه «عاملیت» چارچوب‌های کنش جمعی دانست. چارچوب‌سازی انگیزشی مستلزم ساخت «واژگان انگیزه» است تا از طریق غلبه بر ترس از مخاطرات مربوط به کنش جمعی و یا از «سواری مجانی»^۱ بتوان افراد را به سمت اقدام سوق داد. چارچوب‌سازی انگیزشی با تأکید بر شدت مسئله، فوریت اقدام در حال حاضر به جای بعداً، تاثیر احتمالی پیوستن دیگران به آن، اولویت اخلاقی انجام چنین کاری و ارتقاء یا ترفیع جایگاه فرد به رفع موانع می‌پردازد، همانطور که به بمب‌گذاران انتحاری - چه با هدایت هواپیما، راندن وسایل نقلیه پر از مواد منفجره یا پوشیدن جلیقه‌های انفجاری - وعده‌های مختلف الهی برای اعمال «صالح» آن‌ها داده می‌شود (اسنو و دیگران، ۲۰۰۷).

نکته قابل توجه اینکه هر سه وظیفه چارچوب‌سازی مرکزی برای بسیج مشارکت‌کنندگان ضروری است. یکی از معیارهای مهم اثربخشی چارچوب‌ها، طنین چارچوب^۲ است. به زعم کتلارس (۲۰۱۶: ۳۴۴) طنین چارچوب از خصیصه‌های چارچوب است، مثلاً برخی از چارچوب‌ها بیش از بقیه طنین انداز هستند. "بنفورد و اسنو (۲۰۰۰: ۶۲۱) عدم طنین را به عنوان یک مسئله تحلیلی مطرح کردند و پرسیدند «چرا برخی از چارچوب‌ها موثر به نظر می‌رسند یا "طنین انداز" هستند، در حالی که برخی چنین نیستند" یا "تلاش‌های چارچوب‌سازی غالباً در برانگیختن یا هدایت کنش جمعی ناکام می‌ماند چون طنین مخاطبان هرگز ایجاد نشده یا که پژمرده است." در هر دو صورت، تلاش برای چارچوب‌سازی با مشکل فقدان طنین روبرو می‌شود (اسنو و دیگران، ۲۰۰۷: ۲۲۳).

کتلارس (۲۰۱۶: ۳۴۱) در پژوهش خود دریافت: "چارچوب‌هایی که به تجربیات روزمره مردم متوسل می‌شوند، بیش از چارچوب‌های انتزاعی یا فنی موجب طنین اندازی می‌شوند... [و این] طنین زمانی که، تقصیر

1. Free riding
2. Frame extension

مسئله بر دوش شخص یا سازمان خاصی قرار داده می‌شود بیشتر از موقعی است که نیروها یا علل نامحسوس مسئول شناخته می‌شوند. " وجه دیگر بحث طنین به نقش عواطف در افزایش یا کاهش چشم انداز طنین مربوط می‌شود. بحث «شوک اخلاقی» با تأکید آن بر تأثیر بسیج‌کننده محرک‌های ناگهانی و عمیقاً عاطفی، تأکید بر طنین را دو چندان می‌کند. به زعم جاسپر شوک اخلاقی احساسی سرگیجه‌آور، تکان‌دهنده و پیامد یک اتفاق است و نشان می‌دهد که دنیا همان چیزی نیست که ما فکر می‌کنیم و مسائل پیچیده‌تر از آنست که تصور می‌شود. شوک‌های اخلاقی حس واقعی و عادی بودن را مختل می‌کند و گاه منجر به ارزیابی دقیق از زندگی و ارزش‌ها می‌شود. شوک‌های اخلاقی نه تنها برای درک نحوه جذب افراد در جنبش مفیدند، بلکه باعث می‌شوند کنشگران مجرب نیز تعهداتشان را احیا کنند و به شدت به آن‌ها وفادار شوند (جاسپر، ۲۰۱۴: ۷۲).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر با تکیه بر روش تحلیل محتوای مضمونی و تحلیل محتوای کمی و همچنین بهره‌گیری از چارچوب مفهومی پژوهش، به تعریف و شناسایی چارچوب‌ها، محورها و مقوله‌های آن‌ها پرداخته‌ایم تا بدین طریق با تحلیل محتوای شعارها پرسامدترین مضامین، مفاهیم و واژگان شعارها در هر دوره از اعتراض‌ها مشخص گردد. سپس در سطح دیگر تحلیل که متکی بر تفسیر یافته‌ها بوده نیز به شناسایی زمینه‌های گفتمانی ظهور اعتراض‌ها و مضامین شعارها پرداخته‌ایم. برای تحدید دامنه تحقیق، دولت‌های هفتم و هشتم به ریاست سیدمحمد خاتمی با محوریت گفتمان اصلاحات، دولت نهم و دهم به ریاست محمود احمدی‌نژاد با محوریت گفتمان عدالت و دولت یازدهم و دوازدهم به ریاست حسن روحانی با محوریت گفتمان اعتدال صورت گرفته است.

به جهت آنکه شناسایی گفتمان حاکم بر دولت‌ها مستلزم پژوهش مبسوط و گسترده دیگری بود، لذا برای شناسایی عناصر گفتمانی هر یک از دولت‌ها از پژوهش‌های ذیل استفاده گردید. به‌منظور فهم عناصر معنایی دولت خاتمی (گفتمان اصلاحات) از پژوهش

سلطانی (۱۳۸۷)، با عنوان "قدرت، گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی"، برای درک عناصر معنایی دولت احمدی‌نژاد (گفتمان عدالت) از پژوهش‌های خواجه‌سروی (۱۳۸۶) با عنوان "فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران"، تاجیک و روزخوش (۱۳۸۷) با عنوان "بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان" و اخوان کاظمی (۱۳۸۸) با عنوان "گفتمان عدالت در دولت نهم" و برای فهم عناصر معنایی دولت روحانی (گفتمان اعتدال)، از پژوهش دهقانی فیروزآبادی و عطائی (۱۳۹۳) با عنوان "گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم"، گمشاد (۱۳۹۴) با عنوان "شکلگیری گفتمان اعتدال، اصلاحات، عقلانیت در عرصه سیاسی ایران"، مجیدی و رحیمی‌نیا (۱۳۹۷) با عنوان "تحلیل گفتمان اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری دور یازدهم" و برخی سخنرانی‌های حسن روحانی در تبلیغات انتخاباتی سال ۹۲ استفاده شده است.

همچنین با روش اسنادی کل شعارهای بیان شده در هر کدام از اعتراض‌های مورد مطالعه از منابع مختلفی چون آرشیو خبرگزاری‌ها، روزنامه‌های جناح‌های مختلف، مجلات، گزارش‌ها، دست‌نوشته‌ها، کلیه اسناد و مدارک مکتوب، شبکه‌های اجتماعی محتوایی چون یوتوب، آپارات، تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک و توییتر جمع‌آوری شدند و ۶۵۴ شعار از منابع مختلف جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های توصیفی

در بخش یافته‌ها نخست مضامین شعارها در دوره‌های مختلف بررسی و تحلیل خواهند شد. در گام دوم ویژگی‌های گفتمانی دولت اصلاحات، دولت عدالت و دولت اعتدال بر پایه مطالعات پیشین مطرح و در گام نهایی نسبت مضامین شعارها با گفتمان‌های سیاسی و خلاء کارکردی آنها بیان خواهند شد.

جدول شماره (۱) مضامين شعارها در چهار دوره اعتراض

اعتراض‌های ۹۸		اعتراض‌های ۹۶		اعتراض‌های ۸۸		اعتراض‌های ۷۸		چارچوب‌های تفسیری سه‌گانه و محورها	
فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	
								درصد فرآوانی	
۹,۷۲	۱۴	۱۴,۰۷	۱۹	۹,۳۶	۲۸	۵۰,۳۳	۴	ساختاری ^۱	وضعیت
۹,۰۲	۱۳	۳,۷۰	۵	۱۹,۰۶	۵۷	۸,۰۰	۶	ارزشی ^۲	سیاسی
۳,۴۷	۵	۱,۴۸	۲	۲,۰۰	۶	۰,۰۰	۰	کنشی ^۳	
	۳۲	۱۹,۲۵	۲۶	۳۰,۴۲	۹۱	۱۳,۳۳	۱۰	جمع کل بعد	
۱,۳۸	۲	۰,۰۰	۰	۲,۶۷	۸	۰,۰۰	۰	رسانه ^۴	وضعیت
									اجتماعی
									فرهنگی
۱,۳۸	۲	۰,۰۰	۰	۲,۶۷	۸	۰	۰	جمع کل بعد	
۴,۱۶	۶	۳,۷۰	۵	۲,۶۷	۸	۰,۰۰	۰	محرومیت ^۵	وضعیت
۴,۸۶	۷	۵,۱۸	۷	۱,۰۰	۳	۰,۰۰	۰	مشکلات ^۶	اقتصادی
۰,۶۹	۱	۹,۶۲	۱۳	۰,۰۰	۰	۰,۰۰	۰	فساد ^۷	
۹,۰۷	۱۴	۱۸,۵۱	۲۵	۳,۶۷	۱۱	۰,۰۰	۰	جمع کل بعد	
	۴۸	۳۷,۷۷	۵۱	۳۶,۷۸	۱۱۰	۱۳,۳۳	۱۰		
۶,۲۵	۹	۵,۱۸	۷	۸,۶۹	۲۶	۱,۳۳	۱	شخصیت‌ها و نخبگان	
								سیاسی-مذهبی-ملی ^۸	
۷,۶۳	۱۱	۳,۷۰	۵	۱,۳۳	۴	۱۰,۶۶	۸	گروه‌ها، جناح‌ها و نیروهای	
								سیاسی-مذهبی-نظامی ^۹	
۰,۶۹	۱	۰,۷۴	۱	۱,۳۳	۴	۰,۰۰	۰	شخصیت‌ها و کشورهای	
								خارجی ^{۱۰}	
	۲۱	۹,۶۲	۱۳	۱۱,۳۷	۳۴	۱۲,۰۰	۹	جمع کل محور	
	۶۹	۴۷,۴۰	۶۴	۴۸,۱۶	۱۴۴	۲۵,۳۳	۱۹	جمع کل چارچوب	

وضعیت مسائل برای موجود جامعه
شخصی

فصلنامه رهپاوه‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۴، شماره ۳ (پیاپی ۷۳)، بهار ۱۴۰۲

تطور معنایی شعارهای اعتراض‌های سه دهه اخیر در سپهر گفت‌وگوهای سیاسی | فاطمه امیدی

وضعیت سیاسی	ساختار ^{۱۱}	۳	۴,۰۰۰	۸	۲,۶۷	۴	۲,۹۶	۴	۲,۷۷	
	ارزش ^{۱۲}	۶	۸,۰۰۰	۱۰	۳,۳۴	۴	۲,۹۶	۵	۳,۴۷	
	کنش ^{۱۳}	۱	۱,۳۳	۴	۱,۳۳	۲	۱,۴۸	۲	۱,۳۸	
	جمع کل بعد	۱۰	۱۳,۳۳	۲۲	۷,۳۵	۱۰	۷,۴۰	۱۱	۷,۶۳	
	وضعیت اجتماعی- فهرنگی	ارزش و هنجار ^{۱۴}	۰	۰,۰۰	۱	۰,۳۳	۰	۰,۰۰	۰	۰
		رسانه ^{۱۵}	۱	۱,۳۳	۰	۰,۰۰	۰	۰,۰۰	۰	۰
		جمع کل بعد	۱	۱,۳۳	۱	۰,۳۳	۰	۰,۰۰	۰	۰
	وضعیت اقتصادی	رفاه	۰	۰,۰۰	۰	۰,۰۰	۰	۰,۰۰	۲	۱,۳۸
		نهی انحصار	۰	۰,۰۰	۰	۰,۰۰	۱	۰,۷۴	۰	۰
		رفع فساد	۰	۰,۰۰	۰	۰,۰۰	۲	۱,۴۸	۱	۰,۶۹
جمع کل بعد		۰	۰,۰۰	۰	۰,۰۰	۳	۲,۲۲	۳	۲,۰۸	
جمع کل محور										
	تقلیلی ^{۱۶}	۷	۹,۳۳	۲۶	۸,۶۹	۱۷	۱۲,۵۹	۱۵		
	حمایتی ^{۱۷}	۱۱	۱۴,۶۶	۲۸	۹,۳۶	۱۰	۷,۴۰	۱۷		
جمع کل محور										
جمع کل چارچوب										
	ارزش‌های سیاسی ^{۱۸}	۱۶	۲۱,۳۳	۲۵	۸,۳۶	۱۱	۸,۱۴	۱۷		
مضامین	ارزش‌های داسیونالیستی و ملی‌گرایانه ^{۱۹}	۸	۱۰,۶۶	۲۲	۷,۳۵	۱۷	۱۲,۵۹	۱۰	۶,۹۴	
	ارزش‌های مذهبی ^{۲۰}	۳	۴,۰۰	۳۱	۱۰,۳۶	۲	۱,۴۸	۱	۰,۶۹	
	سایر	۰	۰,۰۰		۰,۰۰	۱	۰,۷۴	۱	۰,۶۹	
جمع کل چارچوب										
جمع کل چارچوب‌ها										

با بررسی مضامین شعارها در چهار دوره اعتراضی مشخص می‌گردد که در سال ۷۸ در مقایسه با سایر سال‌ها معترضین عدم انسجام در ساختار سیاسی را منبع اصلی مشکلات تشخیص داده‌اند (۳/۵۰ درصد). در سال ۸۸ نسبت به سایر سال‌ها معترضین نظام سیاسی را از منظر ارزشی هدف قرار داده‌اند (حدود ۲۰ درصد). در سال ۹۶ و ۹۸ نیز همچنان وجه ساختاری نظام سیاسی در کانون تشخیص معترضین قرار دارد. در سال ۹۶ نسبت به سایر سال‌ها معترضین شرایط نامطلوب اقتصادی را برجسته ساختند و در راس آنها به فساد اقتصادی اشاره کردند. در سال ۷۸ هیچ شعار اقتصادی مطرح نشد که

مبین اولویت امر سیاسی به امر اقتصادی و نشان دهنده غلبه دغدغه‌های سیاسی نظیر آزادی بیان بر دلمشغولی‌های اقتصادی بوده است.

همچنین طلایه داران این حرکت اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران بودند، نقطه عزیمت از دانشگاه بود که در نهایت به شهر پیوست و عامل شتاب‌آزایستن روزنامه سلام بود. هرچند عوامل شتاب‌آزای در بحث جنبش‌ها به مثابه شرط کافی وقوع‌اند و شروط لازم پیشتر بستر را آماده کرده‌اند اما این عوامل به رغم دفعی و ناگهانی بودن، نقش برجسته‌ای در تعیین ماهیت اعتراض دارند. عامل شتاب‌آزای در سال ۹۶ افزایش قیمت کالاهای اساسی و فساد مالی صندوق‌های اعتباری و در سال ۹۸ نیز افزایش قیمت سوخت بود که هر دو ماهیت اقتصادی داشت، اما اندکی پس از وقوع اعتراض‌ها شاهد چرخشی در شعارها از مضمون اقتصادی به مضمون سیاسی بودیم.

هرچند در دو سال ۹۶ و ۹۸ نسبت به ۸۸ و ۷۸ شعارهایی با مضامین اقتصادی مطرح شدند و بسیاری از پژوهش‌ها و مقالات هم وزن آنها را سنگین‌تر دانستند (جلایی‌پور، حاجی‌زادگان، ۱۳۹۸)، اما مطالعه حاضر نشان داد که همچنان شعارها با مضامین سیاسی پیش‌تازند. این امر مبین اینست که احساس محرومیت نسبی در دهه ۹۰ شدت و گستره بیشتری پیدا کرده است. چون هم تعداد بیشتری از افراد نسبت به چیزهای مشابهی احساس محرومیت کردند و هم حدت نارضایتی و خشم ناشی از احساس محرومیت آنها فزاینده بوده است.

اعتراضات ۹۶ و ۹۸ که حاشیه‌نشینان شهری آغازگر آن بودند و در ابتدا شعارهای اقتصادی را برای بیان مطالبات خود فریاد می‌زدند، گروه‌هایی با احساس محرومیت نسبی اقتصادی بودند که وضعیت معیشتی نامطلوب آنها را به عرصه خیابان کشانده بود. از سوی دیگر معترضین سال ۸۸ که در اعتراض به نتایج انتخابات، احساس محرومیت نسبی سیاسی پیدا کرده بودند در این برهه از زمان با آنان هم‌نوا شدند و جامعه در شرایط دوشکافی متقاطع قرار گرفت. به‌زعم بشیریه (۱۳۷۴) "در این شرایط دوشکاف عمده

و فعال وجود دارند که یکدیگر را قطع می‌کند در نتیجه شمار و تنوع نیروهای اجتماعی-سیاسی افزایش می‌یابد.^۱

به عبارت دیگر نوعی کنشگری هم افزا^۱ رخ می‌دهد و گروه‌های متنوعی از ناراضیان با در کنار هم قرار گرفتن قدرت چالشگری خود را افزایش می‌دهند. بنابراین این حجم از احساس محرومیت نسبی همراه با خدشه‌دار شدن کرامت انسانی و هم‌افزایی که در بین گروه‌های ناراضی جامعه رخ داد زمینه طرح شعارهای رادیکال‌تر در اعتراضات دهه ۹۰ را فراهم ساخت و برخاستن چنین شعارهایی معرف دگردیسی در فرم خشونت جمعی از آشوب به شبه جنبش^۲ بود. از منظر معترضین در سال ۸۸ بانیان و مقصرین اصلی شرایط نامطلوب، شخصیت‌ها و نخبگان سیاسی، ملی و مذهبی هستند اما در سال ۷۸ بانیان و مقصرین اصلی گروه‌ها، جناح‌ها و نیروهای نظامی و... هستند. در اعتراض‌های ۹۶ نیز مجدداً شخصیت‌ها و نخبگان مقصرین اصلی شناخته می‌شوند اما در سال ۹۸ دامنه مقصرین وسعت می‌یابد و از نظر معترضین هم شخصیت‌ها و نخبگان سیاسی و هم گروه‌ها، جناح‌ها و نیروهای نظامی به طور توأمان مقصر اصلی شناخته می‌شوند.

ارائه تجویز از طرف معترضین و ترسیم الگوی آرمانی سیاسی در سطح ساختاری و ارزشی در سال ۷۸ نسبت به سایر سال‌ها پررنگ تر است که مبین امید بیشتر معترضین به آینده است و اینکه شرایط بهتری را برای آینده متصورند اما متأسفانه شاهد افت تجویزها در اعتراضات بعدی هستیم. نکته برجسته دیگر در سال ۷۸ نسبت به سال‌های ۹۶ و ۹۸ اینست که معترضین حامیانی را از درون نظام سیاسی فرا می‌خوانند و به دنبال منجی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی می‌گردند. شعار پر تکرار "خاتمی، حمایت، حمایت، حمایت" یا "نیروی انتظامی حمایت، حمایت" خمینی کجایی خاتمی تنها شده "شاهدی بر این مدعاست. این امر نمایانگر اینست که اعتماد سیاسی به اندازه اواخر دهه ۸۰ و ۹۰ خدشه‌دار نشده است و هنوز معترضین به شخصیت‌های سیاسی درون نظام برای برون رفت از

1. Co-creational activism

۲. به زعم نویسنده شبه جنبش‌ها نه به اندازه رفتار جمعی سازمان یافته، کوتاه مدت و گذرا هستند و نه به اندازه جنبش‌های اجتماعی سازمان یافته، منسجم و گسترده‌اند اما انسجام و گستره آنها به اندازه جنبش‌ها نیست و از رفتارهای جمعی پایدارتر و ماندگارترند که بخشی از این ماندگاری نه در عیان بلکه در خفاست. در واقع این شبه جنبش‌ها عناصری از رفتار جمعی و جنبش‌ها را به طور توأمان دارند (امینی، ۱۳۹۷).

بحران اتکاء دارند اما شعارهای سال ۹۶ و ۹۸ که اشاره به پهلوئی اول دارد، کاملا نقطه مقابل مدعای اول است.

در گام بعدی نقش چارچوب انگیزشی اهمیت پیدا می‌کند. آنچه در چارچوب انگیزشی رخ‌نمایی می‌کند نقش عواطف است. نکته حائز اهمیت اینست که از یکسو تا چه حد عواطف داد و ستدی^۱ در بین معترضین جریان دارد و تا چه میزان بین آنان اتحاد و وفاداری وجود دارد و از سوی دیگر "عواطف به اشتراک گذاشته شده" بین معترضین و سایر گروه‌های خارج از فضای اعتراضی چقدر است. این دو صورت از عواطف که اولی معطوف به درون رویداد اعتراضی و دومی معطوف به بیرون است نقش برجسته‌ای را در انگیزه بخشی به معترضین دارد.

معترضین در سال ۷۸ برای انگیزه دادن به یکدیگر و برای جلب حامیان بالقوه شعارهایی را سر می‌دانند که نخست مملو از ارزش‌های سیاسی "ما لحظه به لحظه گوئیم زیر شکنجه گوئیم یا مرگ یا آزادی، آزادی اندیشه همیشه همیشه" و در گام بعدی مشحون از ارزش‌های ناسیونالیستی بودند. "خونی که در رگ ماست هدیه به میهن ماست" و ارزش‌های مذهبی کمرنگ‌تر از بقیه خود نمای می‌کردند. در سال ۹۶ و ۹۸ نیز ارزش‌های مذهبی همچنان نقش کمرنگی را در این عرصه داشته‌اند. اما در سال ۸۸ معترضین ارزش‌های مذهبی را برای انگیزه بخشی به یکدیگر در سرلوحه حرکت خویش قرار دادند. "ما پیرو حسینیم سازش نمی‌پذیریم، حضرت زهرا صدا می‌کنیم دوم خرداد بپا می‌کنیم، وعده دیدار ما تا سوعا عاشورا، سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن".

علاوه بر این در اعتراض‌های ۷۸ و ۸۸، پایگاه طبقاتی معترضین را طبقات متوسطی شکل دادند که بیشتر داعیه مطالبات سیاسی در قالب حرکتی اصلاح‌طلبانه داشته‌اند. در هر دو این اعتراض‌ها ردپای حمایت جریان اصلاح‌طلب از معترضین و اعتراض‌ها پررنگ بوده و رهبری این اعتراض‌ها را نیز شخصیت‌های اصلاح‌طلب بر عهده داشته‌اند. بر این اساس تلاش اصلاح‌طلبان برای نمایندگی مطالبات معترضین را می‌توان عامل مهمی در تاکید بر وجوه ارزشی و تعبیر این کنش اعتراضی به کنشی اصلاح‌گرایانه در چارچوب قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی و ساختارهای موجود دانست. اما در اعتراض‌های ۹۶ و ۹۸ نقطه شروع اعتراض‌ها (مشکلات اقتصادی) و پایگاه طبقاتی معترضین (طبقات محروم و کمتر برخوردار جامعه) سبب گشته تا وجه ساختاری از قوت بیشتری نسبت به وجه ارزشی برخوردار و معترضین حرکتی رادیکال، داشته باشند.

1. Reciprocal

از سوی دیگر ناتوانی جناح‌های سیاسی در نمایندگی مطالبات معترضین را می‌توان یکی از مهمترین دلایل خروج این اعتراض‌ها از چرخه حركات مسالمت‌آمیز در چارچوب نظام سیاسی بیان کرد. در کنار توصیف وضعیت نامطلوب جامعه، معترضین تلاش داشته‌اند تا در چارچوب تجویزی و محور ترسیم‌الگوی آرمانی، به توصیف وضعیت ایده‌آل مدنظر خویش نیز بپردازند. براین اساس این محور را می‌توان نقطه مکمل توصیف جنبه‌های نامطلوب جامعه دانست. در این محور، در ترسیم وضعیت ایده‌آل نیز بعد سیاسی از فراوانی بیشتری نسبت به بعد اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی برخوردار بوده است که این مهم نیز با توجه به اهمیت بعد سیاسی در توصیف جنبه‌های نامطلوب جامعه در چارچوب تشخیصی منطقی می‌باشد.

یافته‌های تفسیری

دولت‌ها همواره نظام‌های معنایی را به عنوان گفتمان‌های محوری خود نمایندگی می‌کنند که به واسطه آن‌ها موقعیت هژمونیک یا حاشیه‌ای پیدا می‌کنند. بر همین اساس به منظور شناسایی بسترهای بر آمدن شعارها، پرداختن به نزاع‌های گفتمانی دولت‌ها ضروریست که این امر مستلزم توجه به عناصر گفتمانی هر یک از دولت‌هاست.

عناصر گفتمانی دولت هفتم و هشتم (گفتمان اصلاحات)

دولت خاتمی با تلاش برای جبران تاخر توسعه سیاسی، به طرح مفاهیمی پیرامون جامعه مدنی، آزادی، توسعه سیاسی، مردم‌سالاری، قانونگرایی و... پرداخت. به‌زعم سلطانی مفصل‌بندی گفتمان اصلاحات جدید نبود، بلکه ظهور مجدد دال‌هایی بود که در ابتدای انقلاب بدلیل گره خوردن با سکولاریسم طرد شده بودند. بنابراین دال‌های گفتمان اصلاحات، مفاهیم تجدیدگرایی مکنون در گفتمان انقلاب اسلامی بود. براین اساس اصلاحات، برجسته‌سازی تجدید و به حاشیه راندن سنت‌گرایی بود. اما مسئله این بود که دال مرکزی این گفتمان یعنی واژه مردم در مقابل دال مرکزی گفتمان رقیب قرار داشت. چرا که تاکید بر مردم به معنای ارائه قرائتی دموکراتیک از مشروعیت‌بخشی از پایین به بالا بود که به موجب آن مردم مشروعیت‌بخش حاکمان می‌باشند. در صورتی که در گفتمان محافظه‌کاری تعبیر غالب از مفهوم ولایت به‌گونه‌ای است که نقش مردم تنها در کشف مصداق ولایت و ضرورت تبعیت است و نه مشروعیت‌بخشی (سلطانی، ۱۳۸۷: ۲۸۵-۲۹۹).

علاوه بر دال مرکزی، دال‌های شناور گفتمان اصلاحات نیز در تضاد با برخی عناصر گفتمانی جناح راست قرار داشت. برای مثال آزادی عقیده و اندیشه مدنظر خاتمی در کنار دیگر عنصر گفتمانی ایشان یعنی تساهل و تسامح، که زمینه را برای رشد نشریات و مطبوعات فراهم نموده بود از جمله این عناصر گفتمانی بودند. بنابراین بحران مطبوعات به‌عنوان منشاء اصلی اعتراض‌های کوی دانشگاه حاصل برخی عناصر گفتمانی مورد تاکید خاتمی و ایستادگی گفتمان رقیب (جناح راست سنتی) در مقابل آنان بود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۰۸-۹۰۹).

تعارض گفتمانی و عدم تعمیق تفکر اصلاح‌طلبی در کنار اقتدار مذهبی-انقلابی اصولگرایان و موفقیت آنان در نشان دادن دال‌های اصلاح‌طلبان بعنوان تهدیدکننده‌های امنیت‌ملی، ارزش‌های اسلامی-انقلابی و نمونه‌هایی از تهاجم فرهنگی کاهش هم‌زمانی گفتمان دولت خاتمی را سبب گشت.^۱ در این مسیر بی‌توجهی این گفتمان به حوزه اقتصاد و رهاسازی دال‌های پیرامون عدالت اقتصادی، رفاه، فقر، خدمت‌رسانی به محرومین و... نیز بی‌تاثیر بر به چالش کشیده شدن این گفتمان نبود (اثنی‌عشر، ۱۳۸۵: ۶۷-۶۹، حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۲۷-۹۳۹).

عناصر گفتمانی دولت نهم و دهم (گفتمان عدالت)

انتخاب احمدی‌نژاد انعکاسی از نشانه‌های انتظارات متراکم شده جامعه برای بهینه‌سازی معادله قدرت اقتصادی و واکنشی به اولویت آزادی در مقایسه با عدالت اقتصادی در دولت خاتمی بود. او با علم به دلایل افول گفتمان اصلاح‌طلبی، در نظام معنایی خویش محورهای مورد تاکید خود را از حوزه سیاست به اقتصاد کشاند و تلاش کرد با تکیه بر دال‌هایی چون خدمت‌رسانی، فقرزدایی، عدالت‌گستری و مهرورزی فضایی گفتمانی شبیه اوایل انقلاب ترسیم کند. بنابراین احمدی‌نژاد نظام معنایی خویش را حول دال مرکزی عدالت مفصل‌بندی و بدین طریق مهمترین کار دولت را عدالت‌گستری تعریف کرد. (خواجه‌سروی، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۰)

بر اساس آنچه گفته شد در دوره احمدی‌نژاد مفصل‌بندی گفتمانی دولت بر مبنای نشانگانی صورت گرفت که بخشی پیرامون رشد و تعالی اقتصادی و

۱. رجوع شود به سخنان آیت‌الله یزدی رئیس قوه قضائیه و مرتضی نبوی از چهره‌های شاخص جناح راست سنتی در خصوص آسیب‌های توسعه سیاسی (روزنامه عصر ما شماره ۱۰۰، مورخ هفتم مردادماه ۱۳۷۷).

حول دال مرکزی عدالت طرح گشتند و بخش دیگر مرتبط با ارزش‌های اصیل انقلابی-اسلامی. بنابراین آنچه خلاء گفتمانی دولت را شکل داد کم‌توجهی به توسعه سیاسی-اجتماعی بود که به حاشیه رانده شدن ارزش‌های مرتبط با آن‌ها را سبب گشت. ارزش‌هایی که خاستگاه آن طبقه متوسط کلان‌شهرنشینی بودند که به‌واسطه مقوله عدالت اقتصادی دولت و ضرورت توجه به بازتوزیع درآمدها به نفع مناطق کمتر برخوردار از حوزه نمایندگی دولت خارج گشتند.

علاوه بر این، محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی، نادیده گرفتن روند محرومیت‌زدایی از شهرها و حومه شهرهای بزرگ را سبب گشت که نقص دیگری بر برنامه‌های عدالت‌محورانه احمدی‌نژاد و عاملی برای نادیده انگاشتن شهروندان این نواحی و مطالبات آنان گشت. بر این اساس سیاست‌های احمدی‌نژاد علاوه بر آنکه توسعه نامتوازن اقتصادی و تضعیف پایگاه دولت را در میان شهرنشینان و طبقات متوسط رو به بالا سبب گشت زمینه‌های تضعیف ارزش‌های سیاسی که بستر اصلی آنان را این گروه‌های اجتماعی شکل می‌دادند نیز فراهم نمود.

عناصر گفتمانی دولت یازدهم و دوازدهم (گفتمان اعتدال)

حسن‌روحانی‌کاندید اصلاح‌طلبان در انتخابات دور یازدهم و دوازدهم ریاست‌جمهوری ریاست‌قوه مجریه را بر عهده گرفت. وی دولت خود را، دولت تدبیر و امید نامید و هدف آن را، نجات اقتصاد، احیای اخلاق و تعامل با جهان بیان کرد.^۱ روحانی مشی اصل خود را اعتدال به معنای میانه‌روی اعلام نمود.^۲ براین اساس مفصل‌بندی گفتمان دولت روحانی را دال‌هایی چون اخلاق‌مداری و راستگویی، تعامل سازنده با جهان، تکثر فرهنگی، حقوق شهروندی، قانونگرایی و آزادی، حول دال مرکزی اعتدال شکل دادند (گمشاد، ۱۳۹۴: ۲). در کنار سیاست‌داخلی، سیاست‌خارجی نیز مورد تأکید دولت بود به‌گونه‌ای که بیشترین نمود سیاست اعتدال‌گرایی دولت در بعد سیاست‌خارجی و تعامل با دولت‌ها آشکار گشت:

بر مبنای این سیاست، دولت روحانی اهم محورهای مهم گفتمانی خویش در حوزه سیاست‌خارجی را بیرون کردن کشور از انزوای بین‌المللی، رفع تحریم‌ها، بهبود زندگی و معیشت مردم از طریق شکستن تحریم‌ها به واسطه

۱. خبرگزاری ایرنا، ۲۶ خردادماه ۱۴۰۰.

۲. خبرگزاری ایرنا، ۹ شهریورماه ۱۳۹۲.

تعامل سازنده با جهان، برجسته‌سازی گفتمان هسته‌ای از طریق تاکید بر حل آن از راه مذاکره با غرب به جای پیگیری سیاست‌های هزینه‌ساز و... قرار داد (مجیدی و رحیمی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۳۶-۱۳۷). تمرکز بیش از حد بر موضوع هسته‌ای، سبب غفلت دولت از سایر موضوعات در روابط خارجی (ضرورت توجه به تعامل با شرق بویژه چین در مبادلات اقتصادی و اتخاذ ناخواسته رویکرد شرق‌ستیزی بویژه در دولت اول روحانی^۱) و سیاست داخلی شد؛ به گونه‌ای که با خروج آمریکا از برجام و بازگشت مجدد تحریم‌ها، کشور درگیر مشکلات اقتصادی متعددی گشت.

بر این اساس دولت روحانی با تاکید بر برجام و گره‌زدن ریشه مشکلات اقتصادی به آن، زمینه‌های نادیده انگاشتن ظرفیت داخلی برای حل مشکلات را فراهم نمود. علاوه بر این بسیاری از منتقدین روحانی معتقد بودند که تاکید بر تعامل با غرب سبب گشت که ایران چین را بعنوان رقیبی برای غرب، برگ برنده‌ای برای تقویت قدرت چانه‌زنی در مذاکرات و ضربه‌گیری برای فشارهای اقتصادی از دست دهد. بنابراین بر خلاف دور اول ریاست‌جمهوری روحانی که برجام عامل قوام بخش دولت روحانی بود در دور دوم ریاست‌جمهوری تبدیل به عامل تضعیف کننده شد.

علاوه بر موارد فوق، از مسائل تنش‌زای دولت روحانی که با گذشت زمان بخشی از خلاء گفتمانی ایشان را شکل داد پایگاه طبقاتی او بود. در تقابل با دولت احمدی‌نژاد که خاستگاه طبقاتی آن را طبقات فقیر و حاشیه‌نشین جامعه شکل دادند، خاستگاه طبقاتی دولت روحانی را طبقه متوسط شهرنشینی شکل دادند که به واسطه مشکلات اقتصادی سیر نزولی به سمت طبقات رو به پایین داشتند. بنابراین با توجه به اینکه طبقه متوسط شاخص اصلی استحکام درونی جامعه بود تضعیف آن به واسطه شوک‌های اقتصادی از یکسو و ناتوانی دولت در برآورده کردن انتظارات آنان از سوی دیگر زمینه‌ساز اعتراضات متعددی گشت.

براین اساس تضعیف موقعیت طبقه متوسط و ریزش آن به طبقات پایین سبب گشت تا در دهه ۹۰ بستر اصلی اعتراضات را طبقه متوسط فقیر در برگیرد. از سوی دیگر تغییر و تحولات سیاسی اجتماعی که تضعیف کننده

۱. دولت یازدهم با امید به حضور شرکت‌های غربی، چینی‌ها را بدون دلیل موجه از صنعت نفت ایران اخراج کردند. اخراج چینی‌ها از میدان اژدگان جنوبی و فاز دوم توسعه میدان یادآوران بدون دلیل مشخص، به دلایلی چون کندی کار و تعلل چینی‌ها در انجام کار نمونه‌های از بی‌مهری دولت ایران نسبت به چین بود که در عمل نیز میلیارد‌ها دلار ضرر را به صنعت نفت ایران تحمیل نمود (خبرگزاری فارس، ۹ مردادماه ۱۴۰۰)

پیوند این گروه‌های عمدتاً حاشیه‌ای با نهادهای سنتی کنترل‌کننده و منفعل کننده آنان بودند سبب شد تا آنان تبدیل به اصلی‌ترین منتقد ساختار قدرت شوند. این امر علاوه بر اینکه نقطه‌ضعفی بر برنامه‌های دولت بود زمینه‌های بی‌اعتباری حاکمیت و بی‌اعتمادی به آنان را نیز فراهم کرد. چرا که افزایش این طبقه و بی‌توجهی به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم سبب شد تا اسطوره عدالت‌محوری و به تبع آن مستضعف و مستضعف‌پروری که به زعم بشیریه از اصلی‌ترین آرمان‌های جنبش انقلاب اسلامی بحساب می‌آمدند، رنگ ببازد (بشیریه، ۱۳۸۸: ۶۵).

نسبت مضامین شعارها با عناصر گفتمانی دولت‌ها

جدول صفحه بعد چکیده‌ای از عناصر گفتمانی دولت‌ها، اختلال کارکردی آنها و تناظر آنها با مضامین شعارها در هر دوره اعتراضی است.

همان‌طور که مشاهده می‌گردد از مهمترین عناصر گفتمانی دولت اصلاحات آزادی، مردمسالاری و جمهوریت است. دولت اصلاحات با سرلوحه قرار دادن توسعه سیاسی و تنظیم برنامه‌های توسعه مطابق آن نظام انتظارات افراد جامعه را در این عرصه بالا برد و به دلیل انسداد سیاسی و منطق مونولوگ در دو دولت هاشمی، گروه‌های جامانده در حاشیه اعم از نخبگان سیاسی، نخبگان غیرحاکم و سایر گروه‌ها نظیر طیفی از دانشجویان این دوره را فضای باز سیاسی قلمداد کردند که پس از سالها حاشیه رانی فرصت مشارکت اجتماعی و سیاسی گسترده را یافتند. اما مانع تراشی‌های رخ داده در این دوره باعث خدشه دار شدن احساس اثر بخشی گروه‌های مختلف از جمله دانشجویان شد و بسته شدن روزنامه سلام به مثابه عامل شتابزایی عمل کرد که رخداد ۱۸ تیر را رقم زد.

مهمترین مضامین شعارها در این دوره آزادیخواهی و مردمسالاری است و آزادی از پربرسامدترین واژگان شعارهاست که با عناصر گفتمانی دولت اصلاحات همخوانی دارد اما معترضین رئیس‌جمهور را عامل شرایط پیش آمده نمی‌دانند و تعداد شعارهایی که از خاتمی طلب حمایت می‌کند و دارای بار معنایی مثبت هستند "خاتمی حمایت، حمایت، خاتمی، واکنش، واکنش" و شعارهایی که از رئیس‌جمهور حمایت می‌کند. "خاتمی، خاتمی حمایت می‌کنیم"، بسیار بیشتر از شعارهایی است که برای او استعفا را تجویز می‌کنند. بنابراین اعتراض‌ها بیشتر معطوف به رقبای دولت است و بین اختلال کارکردی دولت با مضامین شعارها تناظر وجود ندارد.

	عناصر گفتمانی دولت‌ها	اختلال‌های کارکردی دولت‌ها	مضامین عمده شعارها ۲۱ و واژگان پربسامد آن‌ها به ترتیب فراوانی
گفتمان اصلاحات (دولت خاتمی)	مردم‌سالاری و جمهوریت قانون‌گرایی آزادی توسعه سیاسی-فرهنگی تکنرگرایی تساهل و تسامح توسعه جامعه مدنی	نخبه‌گرایی و قابلیت دسترسی پایین برای مردم بی‌توجهی به حوزه اقتصاد، فقر، عدالت اقتصادی-اجتماعی کم‌توجهی به واقعیت‌های ارزشی جامعه مشخص نبودن نسبت برخی عناصر گفتمانی با برخی مفاهیم ارزشی و انقلابی	پرتکرارترین مضامین اعتراض‌های ۷۸: آزادی خواهانه، استبدادستیزانه، عدالت‌خواهانه، اسلام‌ستیزانه، میهن‌پرستانه، رادیکال و انقلابی، مردم‌سالاری واژگان پربسامد: خاتمی، آزادی، مردم، دانشجو
گفتمان عدالت (دولت احمدی‌نژاد)	عدالت اقتصادی فقرزدایی و محرومیت‌زدایی خدمت‌رسانی به مردم، توده‌گرایی تاکید بر ارزش‌های اصیل انقلابی-اسلامی تاکید بر وجه اسلامیت حمایت‌فعلانه از کشورهای اسلامی غرب‌ستیزی و توجه به شرق	کم‌توجهی به توسعه سیاسی-اجتماعی و خاستگاه طبقاتی آن یعنی طبقات متوسط شهرنشین انسداد فضای سیاسی و یکدستی قدرت سیاسی. تضعیف ارزش‌های سیاسی-اجتماعی مداخله‌گر بودن	پرتکرارترین مضامین اعتراض‌های ۸۸: عدالت‌خواهانه سیاسی، استبدادستیزانه، تاکید بر شخصیت‌های اصلاح‌طلب، اسلام‌ستیزانه، آزادی خواهانه، ناسیونالیستی و میهن‌پرستانه، نفی انحصارگرایی، مردم‌سالاری، رادیکال و انقلابی، اصلاح طلبانه واژگان پربسامد: موسوی، محمود احمدی‌نژاد، ایران، ایرانی، رهبری، ملت، رای، آرا، بسیجی
گفتمان اعتدال (دولت روحانی)	اعتدال قانون‌گرایی تعامل سازنده با جهان بویژه جهان غرب نجات اقتصاد و توسعه اقتصادی عدالت تکنر فرهنگی، حقوق شهروندی و افزایش رفاه و بهبود وضعیت معیشتی مردم	مشی خنثی‌گرایانه و محافظه‌کارانه ناشی از اعتدال نامشخص بودن خط‌مشی‌ها رویکرد دولت در بسیاری از زمینه‌ها بی‌توجهی به اقتصاد در بعد داخلی گره‌زدن سایر امور به برجام پایگاه طبقاتی دولت و عدم توجه به طبقات پایین تعامل با غرب و بی‌توجهی به شرق فساد گسترده و سوءمدیریت	پرتکرارترین مضامین شعارهای اعتراض‌های ۹۶: نفی اسلام‌سیاسی، عدالت‌خواهانه اقتصادی، عدالت‌خواهانه سیاسی، آزادی خواهانه، ناسیونالیستی، رادیکال و انقلابی، سلطنت‌طلبانه، استبدادستیزانه، انحصارستیزانه، مردم‌سالاری پربسامدترین واژگان: آخوند، ایران، دزد، دزدی، دزدخونه، رهبر، سیدعلی خامنه‌ای، مردم و ملت، شاه، شاهنشاه پرتکرارترین مضامین شعارهای اعتراض‌های ۹۸: نفی اسلام‌سیاسی، عدالت‌خواهانه اقتصادی-سیاسی، استبدادستیزی، رادیکال، سلطنت‌طلبانه، نفی انحصارگرایی، ناسیونالیستی، قانون‌گرایی، نخبه‌گرایانه پربسامدترین واژگان: ایران، ایرانی، آخوند، رهبر، مردم، ملت، سپاه

محوری‌ترین عناصر گفتمانی دولت احمدی‌نژاد، فقرزدایی و محرومیت‌زدایی، تاکید بر ارزش‌های اصیل و انقلابی و ... است. دال برتر گفتمان عدالت، عدالت اقتصادی است، اما مضامین شعارهای اعتراضات ۸۸ پیرامون عدالت سیاسی و نفی انحصارگرایی است. بنابراین آنچه در این اعتراضات خودنمایی می‌کند اختلال کارکردی دولت در ساحت سیاست است. در عرصه سیاست، احزاب، جناح‌ها و تشکل‌هایی هژمونیک می‌شوند که پایگاه اجتماعی گسترده‌تری داشته باشند و در بین طیف‌های وسیعی از اقشار و گروه‌های متنوع از قدرت مشروع برخوردار باشند. احمدی‌نژاد غالباً در جلب نظر طبقه متوسط موفق نبود و در تلاش بود تا با طرح شعارهای اقتصادی از فقرا و اقشاری که به زعم او در دولت‌های پیشین نادیده گرفته شده بودند، حمایت کند. این نگاه یکسویه سبب شد پایگاه او نزد طیف وسیعی از طبقه متوسط تنزل یابد و خیل منتقدین او در بین این قشر افزایش یابد.

از سوی دیگر تاکید احمدی‌نژاد بر ارزش‌های انقلابی-اسلامی و دیگر عنصر گفتمانی او یعنی غرب‌ستیزی سبب شد تا او ضمن تاکید بر امت اسلامی بجای ملیت‌پرانی، حمایت از کشورهای اسلامی را مورد تاکید قرار دهد (رضایی، ۱۳۸۸: ۲۸۰-۲۸۳). به همین منظور بخشی از درآمدهای دولت صرف حمایت از این کشورها و جنبش‌های اسلامی گردید. این انگاره گفتمانی در افکار عمومی بخشی از جامعه که منتقد احمدی‌نژاد بودند به معنای اولویت وجه اسلامیت نسبت به وجه ایرانیت و جمهوریت تفسیر گشت و همین امر سبب شد تا بخشی از مضامین در تقابل با آنان سامان یابد. بنابراین تاکید بر ایران و ملت و بیان مضامینی در نقد سیاست‌های خارجی دولت را می‌توان در ذیل عناصر گفتمانی فوق مورد تفسیر قرار داد.

در گفتمان اعتدال دال‌های اقتصادی و سیاسی نظیر قانونگرایی، تعامل‌سازنده با جهان بویژه جهان غرب، نجات اقتصاد و توسعه اقتصادی، عدالت، تکثر فرهنگی، حقوق شهروندی و افزایش رفاه و بهبود وضعیت معیشتی مردم به طور توأمان وجود دارند گویی که دولت روحانی درصدد است با طرح موارد مذکور پایگاه اجتماعی دولت خود را وسعت ببخشد. همین امر باعث شد اعتراض‌های ۹۶ و ۹۸ هم معطوف به گفتمان اعتدال و هم اختلال کارکردی

دولت باشند. در این اعتراض‌ها عمده مضامین مورد تاکید معترضین پیرامون فساد اقتصادی، سوءمدیریت دولتمردان، انحصارگرایی و بخشی از ویژگی‌های ساختار سیاسی شکل یافت. اتخاذ برخی سیاست‌های اقتصادی و سوءمدیریت دولتمردان در کنترل گرانی‌ها، تورم، اختلاس‌ها، تسامح در برخورد با مفسدین، انحصار منابع توسط برخی گروه‌ها و هزینه‌کرد درآمدها برای برخی از کشورها در شرایطی که کشور در یکی از بحرانی‌ترین زمان‌ها قرار داشت، بدون توجه به مشکلات طبقات پایین و حاشیه‌ای جامعه صورت گرفت. از سوی دیگر روحانی در برنامه‌های انتخاباتی خود یکی از شعارهای اصلی خویش را بهبود زندگی و معیشت مردم بیان کرده بود.

در کنار مضامین اقتصادی، بخشی از شعارها نیز پیرامون مضامین سیاسی چون ساختار حاکمیت و قدرت، ویژگی‌های این ساختارها و فقدان ارزش‌های مثبت سیاسی-اجتماعی شکل یافته‌اند. برخی از این مضامین که پیرامون ارزش‌های سیاسی چون آزادی، مردم‌سالاری، قانون‌گرایی، برابری، عدالت‌سیاسی و... هستند دارای نسبتی با برخی از عناصر گفتمانی دولت روحانی چون تکثرگرایی، حقوق شهروندی و مدنی و... خلاءهای موجود در این زمینه بوده است. بر همین مبنا شعارهای ساختارشکنانه در اعتراضات دهه ۹۰ نشان می‌دهد که شعاع اعتراضات فراتر از منازعات و مجادلات میان خرده‌گفتمان‌ها در داخل گفتمان انقلاب اسلامی است.

سردادن شعارهای رادیکال مبین بی‌اعتمادی سیاسی، ناامیدی و دلسردی از شرایط اجتماعی است و در اعتراضات ۸۸ و دهه ۹۰ مشاهده می‌گردد که ناامیدی آنان از آینده سبب گشته تا رجعتی به گذشته دور و زمان پهلوی دوم داشته باشند. به نظر می‌رسد شبه جنبش‌های دهه ۹۰ بیش از آنکه اتوپییایی باشند، رتروتوپییایی^۱ اند. "جنبش رتروتوپایی قادر است از انتظار بازگشت به شکوه و شوکت و قدرت و عزت و ثروت واقعی یا خیالین گذشته نوع مکتب اعتراض بسازد و با تحریک و تهییج احساس نوستالژیک اد미ان، نیروی محرکه‌ای برای خیزش اجتماعی مهیا نماید. رتروتوپیا یا همان اتوپییای در پس نه در پیش، در گذشته نه در آینده جایی در تجربه زیست تاریخی مردمان دارد، اتوپییایی انضمامی است که امکان تحقق و تکرار آن در تاریخ وجود دارد. لذا بسیار برانگیزاننده و برآشوبنده است" (تاجیک، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

نتیجه‌گیری

به حرکت درآمدن چرخه اعتراض در ۱۸ تیرماه ۷۸ نقطه عطف مهمی در ایران پس‌انقلاب بود که از آن تاریخ به بعد جامعه ایران هر دهه شاهد یک رویداد اعتراضی مهم نظیر سال ۸۸، ۹۶ و ۹۸ بود که در همه اعتراضات، ساحت سیاسی هدف اصلی معترضین بوده اما آنچه اهمیت دارد اینست که در سال ۸۸ نظام سیاسی از منظر ارزشی مورد حمله قرار گرفت و شعارهایی دال بر خدشه دار شدن ارزش‌های سیاسی (آزادی، اعتماد سیاسی) و تبلور ارزش‌هایی نظیر ظلم‌ستیزی بر سایر مضامین شعارها پیشی گرفته است اما در سال ۹۶ و ۹۸ وجه ساختاری نظام سیاسی نظیر جایگاه روحانیت، ترکیب دین با سیاست، جایگاه دولت و ریاست جمهوری و قوه مقننه در شعارهای معترضین محوریت دارد.

شعله همه اعتراضات با عامل شتاب‌زایی برافروخته شد؛ بستن روزنامه سلام (۱۳۷۸) نتایج انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۸) گران شدن اقلام خوراکی و فساد اقتصادی موسسات اعتباری (۱۳۹۶) افزایش قیمت سوخت و بنزین (۱۳۹۸) اما آنچه دامنه آتش اعتراضات را وسعت بخشید وقوع شوک‌های اخلاقی^۱ بود که به صورت پی در پی در جریان اعتراضات رخ می‌داد. "شوک اخلاقی شرایط عاطفی شوکه‌کننده‌ای است که توجه مردم را به خود جلب می‌کند، می‌تواند آن‌ها را فلج کند یا به موجوداتی عصبانی و خشمگین تبدیل کند و یا به سمت کنش سوق دهد" (جاسپر، ۲۰۱۴: ۵۴). این شوک‌ها زمانی تکانه‌های شدیدتر ایجاد خواهد کرد که متعلق به گروه‌های فرودست جامعه باشد و معترضین در جریان تدوین چارچوب تشخیصی اعتراض بر مظلومیت امر صحنه بگذارند.

هرچه شوک اخلاقی رخ داده این عناصر را در خود داشته باشد، سرایت اجتماعی در سطح گسترده رخ می‌دهد. ضرب و شتم دانشجویان کوی دانشگاه تهران (سال ۷۸) مرگ ندا آقاسلطان (سال ۸۸) و (سال ۹۸) مادران آبان نمونه‌ای از شوک‌های اخلاقی رخ داده در جریان اعتراضات بودند. رادیکال شدن تدریجی اعتراضات و طرح شعارهای ساختارشکنانه نمایانگر هم‌افزایی گسست‌های اجتماعی است که یکدیگر را تقویت می‌کنند و نیروهای اجتماعی پیرامون آنها افزایش می‌یابند. در سال ۷۸ فشار ساختاری^۲ معطوف به دانشجویان بود و آنها به مثابه نیروهای اجتماعی بیش از سایر اقشار احساس محرومیت کردند و حادثه کوی دانشگاه عامل شتاب‌دهنده به اعتراضات آنها بود. اما استعانت خواستن

1. Moral shock
2. Role strain

معترضین از درون نظام و طلب حمایت از نیروی انتظامی مبین زنده بودن امید در دل معترضین است.

در سال ۸۸ فشار ساختاری معطوف به طیفی از طبقه متوسط بود که به دلیل نتایج انتخابات احساس محرومیت نسبی سیاسی داشته و احساس اثربخشی سیاسی نزد آنان خدشه‌دار شده بود. در سال ۹۶ و ۹۸ فشار ساختاری معطوف به حاشیه نشینان شهری و طبقه متوسط مستضعف بود که به دلیل فساد مالی گسترده یقه‌سفیدان، افزایش قیمت کالاهای اساسی و سوخت دچار حس محرومیت اقتصادی شده بودند. هسته‌های متروک ۸۸ بار خداد شبه جنبش‌های دهه ۹۰ دوباره جان گرفت. نشانه آن چرخش مضامین شعارها از اقتصادی به سیاسی بود. این چرخش هم معلول گسترش نیروهای اجتماعی ناراضی تهیدستان و طبقه متوسط بود و هم اینکه چاقوب تشخیصی معترضین منشاء فساد و مصائب اقتصادی را مدیریت ناکارآمد سیاسی می‌دانستند.

مضامین شعارها در سال ۷۸ با عناصر گفتمان اصلاحات همخوانی داشت در این سال مهمترین مضامین شعارها آزادی خواهی و مردمسالاری بود و آزادی از پرسامدترین واژگان شعارهاست اما بین شعارها و اختلال کارکردی دولت تناظر وجود نداشت. مضامین شعارها در سال ۸۸ با عناصر گفتمان عدالت که مبتنی بر فقرزدایی و محرومیت زدایی بود همخوانی نداشت. آنچه در این اعتراضات خودنمایی می‌کند اختلال کارکردی دولت در ساحت سیاست است. بنابراین شعارها با مضامین عدالت سیاسی مطرح شدند نه عدالت اقتصادی.

در شبه جنبش‌های دهه ۹۰ مضامین شعارهای معترضین هم با عناصر گفتمان اعتدال و هم با اختلال کارکردی دولت همخوانی داشت. در کنار مضامین اقتصادی شعارها که ویژگی منحصر به فرد این دوره از اعتراض‌هاست، طیف وسیعی از شعارها پیرامون مضامین سیاسی چون ساختار حاکمیت و قدرت، ویژگی‌های این ساختارها و فقدان ارزش‌های مثبت سیاسی-اجتماعی شکل یافته‌اند. برخی از این مضامین که پیرامون ارزش‌های سیاسی چون آزادی، مردم‌سالاری، قانون‌گرایی، برابری، عدالت‌سیاسی و... هستند دارای نسبتی با برخی از عناصر گفتمانی دولت روحانی چون تکثرگرایی، حقوق شهروندی و مدنی و... خلاءهای کارکردی موجود در این زمینه بوده است.

منابع

- اثنی عشر، شهزاد (۱۳۸۵)، از دولت اصلاحی تا دولت اسلامی، تحلیلی بر آسیب‌شناسی گذار از دولت خاتمی به دولت احمدی‌نژاد. تهران، نشر عطائی.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، «گفتمان عدالت در دولت نهم»، «مجله معرفت‌شناسی». پاییز زمستان ۱۳۸۸ (۲)، ۳۳۱-۲۴۱.
- امینی، سعیده (۱۳۹۷)، تاملی جامعه‌شناختی پیرامون شبه‌جنبش‌های دودهمه اخیر ایران، در اعتراضات و ناآرامی‌های دیماه ۱۳۹۶ به اهتمام ابراهیم حاجیانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران، نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۸)، گفتگوی دکتر حسین بشیریه با مجله لوگوس و سایت رادیو فردا پیرامون وقایع ایران. وب سایت com.Logosjournal.www
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی ایران: فرهنگ سیاسی انقلاب، تهران: نشر علم.
- تاجیک، محمدرضا و روزخوش، محمد (۱۳۸۷)، بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از منظر تحلیل گفتمان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، سال شانزدهم، شماره ۶۱
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۸)، زیست جنبش، تهران، نگاه معاصر.
- جلایی‌پور، حمیدرضا، حاجی‌زادگان، ابولفضل (۱۳۹۸)، اعتراض‌های دیماه ۱۳۹۶ ایران و عوامل موثر بر آن‌ها.
- حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۵)، اسلام سیاسی در ایران. قم: انتشارات دانشگاه علوم انسانی مفید.
- خاوری‌نژاد، سعید (۱۳۹۶)، ظریه‌های جنبش‌های اجتماعی، تهران: انتشارات فلات.
- خواجهمسروی، غلامرضا (۱۳۸۶)، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، «مجله دانش سیاسی». ۳ (۲)، ۳۵-۵.
- دلپورتا، دوناتلا؛ دیانی، ماریو (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی. ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و عطائی، مهدی (۱۳۹۳)، گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم، دوره ۱۷، شماره ۶۳، ص ۸۷-۱۲۰
- دیترا، آپ، کارل (۱۳۹۵)، جنبش اجتماعی و اعتراض سیاسی. ترجمه: مجید عباسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رضایی، علی‌رضا (۱۳۸۸)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه‌های روابط بین‌الملل»، «مجله راهبرد یاس». بهار ۸۸ (۱۷)، ۲۸۸-۲۶۰.
- سلطانی، علی (۱۳۸۷)، درت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی

صدیق‌یان بیدگلی، آمنه (۱۳۹۰)، میزان گرایش دانشجویان به اعتراض‌های سیاسی و عوامل اجتماعی موثر بر گرایش‌های آن‌ها، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

عباسی‌سرمردی، مهدی؛ راهبر، مهنوش (۱۳۸۸)، «توسعه سیاسی در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶»، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۹(۲)، ۲۵۹-۲۸۰. علیخواه، فردین (۱۳۸۷)، محرومیت نسبی و پتانسیل اعتراض سیاسی، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

قربانی، علی (۱۳۹۷)، بررسی نقش رسانه‌ها بر اعتراض‌های سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶، رساله کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی و علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.

گمشاد، مریم (۱۳۹۴)، «شکل‌گیری گفتمان اعتدال، اصلاحات، عقلانیت در عرصه سیاسی ایران»، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی. وبسایت سیویلکا به آدرس: <https://www.com.civilica.com/doc/436117>

گودرزی، آیت‌الله (۱۳۹۱)، ناآرامی‌های اجتماعی، عوامل و فرآیند آن، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

مجتهدی‌نحفی، محمود (۱۳۹۴)، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مسایل سیاسی-اجتماعی کشور، رساله کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

مجیدی، حسن؛ رحیمی‌نیا، محسن (۱۳۹۷)، «تحلیل گفتمان اعتدال در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲۵(۷)، ۱۲۵-۱۵۵. نش، کیت (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، قدرت و سیاست. (محمدتقی دلفروز، مترجم). تهران: انتشارات کویر.

— Bateson, G (1972), *Steps to an Ecology of the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.

— Brooks, Erik J, (2017). *Slogans We Can Believe In: An Examination Of What Makes For, An Effective Presidential Campaigning Slogan*. MA Thesis. The University of North Carolina. Retrived from <https://www.proquest.com>

— Chen, M (2021), *Critical Discourse Analysis—The Slogans in the Protests for George Floyd*. Sino-US English Teaching. 90-94, 18. Retrived from <https://www.davidpublisher.com>

— Dalton, R J&.van Sickle, A, (2005) *The Resource, Structural, and Cultural Bases of Protest*, Retrived from <https://escholarship.org>.

— Goffman, Erving, (1974) *Frame Analysis*. Cambridge. Harvard University Press.

— James M. Jasper, J.M (2014). *Protest: A Cultural Introduction to Social Movements*. Polity Press.

- Ketelaars. P (2016), What Strikes the Responsive Chord? The Effects of Framing – Qualities on Frame Resonance amongst Protest Participants. *Mobilization: An International Quarterly* 21 : 341-360.
- Kim ,Young-CHoul ,(2003) Why do citizens protest in new democracies :? A comparative analysis of protest potential in Mexico ,South Africa ,and South Korea. phd dissertation . Texas Tech University ,Retrived from [https // ttu ir .tdl.org](https://ttu.ir.tdl.org).
- Polletta. F .Chen..P .Beth Gardner.B & Motes.A.(,2011) .The Sociology of Storytelling .*Annual Review of Sociology*. 130-109 :37
- Snow. D.A & Benford.R (2000), “Framing processes and social movement :An overview and assessment. *Annual Review of sociology*, 26(1),611–693.
- Snow.D.A. ,Vliegenthart. R .Corrigall-Brown. C (2007), Framing the ‘French Riots’: A Comparative Study of Frame Variation. *Social Forces* 86: 385-415.
- Snow.D.A ,Vliegenthart.R & Ketelaars.P ,(2019) The Framing Perspective on Social – Movements : Its Conceptual Roots and Architecture in social movement edited by David A. Snow ,Sarah A .Soule .Hanspeter Kriest .and Holly J .Mccammon .Hoboken, New Jersey :Wiley Blackwell.
- Snow.D.A & Scott.C.B (2007), Ideology,Framing Processes And Islamic Terrorist Movements.*Mobilization:An International Journal* ,12,119-136.
- Gee.J.p (2019), Slogans with Chinese Characteristics : The political Form, Discourse & Society Song.J.201–207

۱. تم‌های فرعی ساختاری: ترکیب دین و سیاست و جایگاه روحانیت، جایگاه رهبری، قوه مجریه (دولت و جایگاه ریاست جمهوری، قوه مقننه، قوه قضائیه، سایر

۲. تم‌های فرعی ارزشی: فقدان آزادی، وجود استبداد، فقدان عدالت سیاسی، وجود ظلم، فقدان اعتماد سیاسی (دروغ، تقلب)، تاکید بر ارزش‌های اسلامی و اسلام‌گرا

۳. تم‌های فرعی کنشی: عملکرد و سیاست‌گذاری‌های داخلی، عملکرد و سیاست‌گذاری‌های خارجی

۴. تم‌های فرعی رسانه: نفی و مخالفت با صدا و سیما، نفی و مخالفت با روزنامه‌ها، نشریات و مجلات

۵. تم‌های فرعی محرومیت: فقر، محرومیت، نابرابری و استثمار

۶. تم‌های فرعی مشکلات و مصائب اقتصادی: بیکاری، تورم، گرانی و..

۷. تم‌های فرعی فساد: دزدی، اختلاس، رانت و..

۸. تم‌های فرعی شخصیت‌ها و نخبگان سیاسی-مذهبی و ملی: احمد خاتمی، آیت‌الله احمد جنتی، آیت‌الله رئیسی، آیت‌الله خامنه‌ای، محمدجواد لاریجانی، عزت‌الله ضرغامی، علی‌اکبر ناطق نوری، سردار سلیمانی، محمد یزدی، محمود احمدی‌نژاد، علی لاریجانی، حسن روحانی.

۹. تم‌های فرعی گروه‌ها، جناح‌ها و نیروهای سیاسی-مذهبی-نظامی-اصولگرا و اصلاح‌طلب، انصار، آخوند، ارتش، بسیج، حزب‌الله، دادگاه روحانیت، سپاه، طالبان، نیروی انتظامی.
۱۰. تم فرعی شخصیت‌ها و کشورهای خارجی: امریکا، انگلیس، چین، روسیه، پوتین، چاوز، نصرالله
۱۱. تم فرعی ساختارسیاسی: جایگاه روحانیت و ترکیب دین با سیاست، جایگاه رهبری، قوه مجریه (دولت و جایگاه ریاست‌جمهوری) قوه مقننه، قوه قضائیه
۱۲. تم فرعی ارزش‌سیاسی: آزادی، اعتماد سیاسی (فقدان دروغ و تقلب)، استبداد ستیزی، ظلم‌ستیزی، توسعه سیاسی، ضدیت با ارزش‌های اسلامی
۱۳. تم فرعی کنش سیاسی: عملکرد و سیاست‌گذاری‌های داخلی، عملکرد و سیاست‌گذاری‌های خارجی
۱۴. تم فرعی ارزش‌ها و هنجارها: تاکید برابری جنسیتی
۱۵. تم فرعی رسانه: حمایت از روزنامه‌ها و نشریات
۱۶. تم فرعی تقابلی (شخصیت‌ها و نخبگان سیاسی و...): ایت‌الله خامنه‌ای، محمد یزدی، احمد جنتی، سعید امامی، احمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد، ایت‌الله مصباح، مجتبی خامنه‌ای، ایت‌الله رئیسی، عزت‌الله ضرغامی، حسن روحانی، برادران لاریجانی، سردار سلیمانی
۱۷. تم فرعی تقابلی (جناح‌ها و گروه‌های سیاسی): سپاه، حزب‌الله، انصار، بسیج، ارتش، نیروی انتظامی، اصولگرا-اصلاح‌طلب، آخوند و ملا، تحکیمی
۱۸. تم فرعی ارزش‌های سیاسی: آزادی خواهانه، ظلم‌ستیزی، استبدادستیزی، عدالتخواهی و برابری طلبی
۱۹. تم فرعی ارزش‌های ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه: تاکید بر اسطوره‌های ایرانی و پادشاهان گذشته (کوروش، ارش، رضا شاه، محمدرضا پهلوی)، شخصیت‌های سیاسی-مذهبی (خاتمی، کروبی، موسوی و.. استفاده از مفاهیم ملی-وطنی (ایران، وطن، خاک، ملت، میهن، آریایی...)
۲۱. تم فرعی حمایتی (شخصیت‌ها و نخبگان سیاسی-مذهبی حاکم): سید محمد خاتمی
۲۰. تم فرعی ارزش‌های مذهبی: یاری خواستن از خدا و ائمه (خدا، امام رضا، امام حسین، حضرت زهرا و... یاری خواستن از شخصیت‌های مذهبی (امام خمینی، روحانیون و مراجع...))، استفاده از مناسبت‌های مذهبی (عاشورا، تاسوعا)، استفاده از مفاهیم مذهبی (قران، شهادت، قیامت، کفن و..)
۲۱. مضامین عمده شعارها در مقاله دیگری به تفصیل بررسی شده است.